

باسمہ تعالیٰ

قرآن

مہجور!؟

قرآن مهجور!؟

قرآن چراغ هدایت

خداوند عزّ و جل در باره قرآن می فرماید:

« كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ

الْحَمِيدِ

- (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی ها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، به فرمان پروردگارشان در آوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید. « (ابراهیم/۱) و نیز می فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ

لِلْمُؤْمِنِينَ

- ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آن چه در سینه هاست (درمانی برای دل های شما) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. « (یونس/۵۷)

و درباره نزول آن فرموده است:

« شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

- ماه رمضان است ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت،

و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. « (بقره/۱۸۵)

شبهه این آیات در قرآن بارها تکرار شده است و به مردم یادآوری نموده که این کتاب تنها راه هدایت و رفع مشکلات دنیوی و اخروی آنان است.

قرآن شفای روح و جسم است.

« وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ »

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم. (اسراء/۸۲)
از طرفی در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز توجه زیادی به قرائت قرآن و وارد کردن آن به متن زندگی داده شده است.

به عنوان نمونه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

إِنْ أَرَدْتُمْ : - اگر می خواهید که:

عَيْشَ السُّعْدَاءِ ، - همچون سعادتمندان زندگی کنید،

وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ ، - و همچون شهیدان از دنیا بروید،

وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحُسْرَى ، - و در روز حسرت نجات یابید،

وَ الظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ ، - و در روز گرمای سخت سایبانی داشته باشید،

وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ ، - و در روز گمراهی بر راه راست بروید،

فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ ، - قرآن را بخوانید

فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَانِ ، - که کلام رحمان است،

وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ ، - و حرزی در برابر شیطان،

وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ ، - و سبب سنگینی ترازوی اعمال.^۱

مہجوریت قرآن

اما متاسفانه جمعیت مسلمانان و حتی افراد انقلابی آن گونه که باید رو به قرآن نیاورده‌اند و همین امر سبب شکایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قیامت می‌گردد.

خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید هنگامی که قیامت بر پا شود رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از امت خود گلایه^۱ می‌فرماید که:

« وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا - پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.» (فرقان/۳۰)

«هجر»، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می‌شود.^۲

رابطه‌ی میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه‌ها باشد، زیرا کلمه‌ی «هجر» در جایی به کار می‌رود که میان انسان و آن چیز رابطه باشد.^۳

این سخن و این شکایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امروز نیز هم چنان ادامه دارد، که از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برد که این قرآن را به دست فراموشی سپردند، قرآنی که رمز حیات است و وسیله نجات، قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی است، قرآنی که مملو از

۱. این آیه، از گلایه‌ی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن می‌گوید و آن حضرت چون

«رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است نفرین نمی‌کند. (تفسیر نور ج ۶ ص ۲۵۰)

۲. مفردات راغب

۳. التحقیق فی کلمات القرآن

برنامه‌های زندگی می‌باشد، این قرآن را رها ساختند و حتی برای قوانین مدنی و جزائیشان دست‌گذاری به سوی دیگران دراز کردند!

هم‌اکنون اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی به خصوص آن‌ها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند نظر بیفکنیم می‌بینیم قرآن در میان آن‌ها به صورت یک کتاب تشریفاتی درآمده است، تنها الفاظش را با صدای جالب از دستگاه‌های فرستنده پخش می‌کنند، و جای آن در کاشی کاری‌های مساجد به عنوان هنر معماری است، برای افتتاح خانه نو، و یا حفظ مسافر، و شفای بیماران، و حد اکثر برای تلاوت به عنوان ثواب از آن استفاده می‌کنند.

حتی گاه که با قرآن استدلال می‌نمایند هدفشان اثبات پیشداوری‌های خود به کمک آیات با استفاده از روش انحرافی تفسیر به رأی است.

در بعضی از کشورهای اسلامی مدارس پر طول و عرضی به عنوان مدارس " تحفیظ القرآن " دیده می‌شود، و گروه عظیمی از پسران و دختران به حفظ قرآن مشغولند، در حالی که اندیشه‌های آن‌ها گاهی از غرب و گاه از شرق، و قوانین و مقررات‌شان از بیگانگان از اسلام گرفته شده است، و قرآن فقط پوششی است برای خلافت‌کاری‌های‌شان.

آری امروز هم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فریاد می‌زند: " خدایا! قوم من قرآن را مهجور داشتند! " مهجور از نظر مغز و محتوا، متروک از نظر اندیشه و تفکر و متروک از نظر برنامه‌های سازنده‌اش.^۱

بنابراین باید تلاشی همه‌جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت در آوریم و آن را در همه‌ی ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت

پیامبر عزیز اسلام را جلب کنیم.

نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن آن، تدبّر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فرا گیرد ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است.^۱

حد اقل قرائت

پس یک مسلمان باید هر روز قرآن را بخواند و در آن تدبّر نموده و آیاتش را چراغ راه زندگی قرار دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ بِنَبِيِّهِ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً - قرآن عهد خداوند و فرمان او است بر خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند.»^۲

و امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَكْتُبْ مِنَ الْعَافِلِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَتِي آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنْ تِبْرِ الْقِنْطَارِ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۶۰۹

۲. تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۵۰

الْمِثْقَالِ أَرْبَعَةً وَ عِشْرُونَ قِيرَاطًا أَصْغَرُهَا مِثْلُ جَبَلٍ أُحُدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ - هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود، و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود، و هر که دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته شود، و هر که سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود، و هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود، و هر که هزار آیه بخواند برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود - و قنطار پانزده هزار مثقال طلا است، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است - که کوچکترین آنها به اندازه کوه احد و بزرگترین آنها باندازه آنچه میان زمین و آسمان است.^۱

از این حدیث برداشت می‌شود که اگر کسی لااقل هر شب ده آیه از قرآن بخواند ممکن است از جمله غافلین نوشته شود. و غافلین طبق فرمایش قرآن از چهارپایان پست‌ترند.

« وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يَبْصُرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ - به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌ها [عقل‌ها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)!» (اعراف/۱۷۹)

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۶۱۲

و البته این قرائت باید همراه با تدبر باشد و گرنه در آن خیری نیست. قرآن می‌فرماید:

« أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا - چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند، آیا بر دل‌های‌شان قفل زده شده است؟ » (محمد/۲۴)

و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

« أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ - آگاه باشید در (قرآن) خواندنی که تدبر نباشد خیری نیست. »^۱

قرآن کهنه نمی‌شود

از طرفی قرآن برای تمام اعصار و قرون نازل شده و هیچگاه کهنه نمی‌شود. امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام از پدرش نقل فرمود که کسی از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد:

« مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَ الدَّرَاسَةِ إِلَّا غَضَاضَةً - چه واقعه‌ای است که قرآن را هر چه نشر دهند و درس گویند باز تازگی دارد؟ »
حضرت در پاسخ فرمود:

« إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - خداوند قرآن را برای زمان خاصی قرار نداده و نه برای جمعیت خاصی، و به همین دلیل در هر زمانی تازه و نزد هر جمعیتی با طراوت است. »^۲

۱. الکافی (ط.الإسلامية) ج ۱ ص ۳۶

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت) ج ۲ ص ۲۸۰ - این حدیث در عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲ ص ۸۷ هم با اندکی تفاوت ذکر شده است.

امام با این گفتار اشاره پرمعنایی به این حقیقت می‌کند که قرآن مخلوق جهان ماده و افکار زودگذر و متغیر بشر نیست که گرد و غبار فرسودگی با گذشت زمان روی آن بینشیند، بلکه از علم و دانش خداوند بزرگی سرچشمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی است و به همین دلیل هر چه آن را بخوانند تازه‌تر و جالب‌تر است و یکی از نشانه‌های عظمت قرآن همین است.

هر چه قدر بخوانی باز کم است

قرآن دریای بی‌پایانی است که هر چه آن را بخوانیم و در آن تحقیق و تدبر کنیم باز هم کم کاری کرده‌ایم. بزرگان دین که تمام عمر خود را وقف قرآن نموده‌اند همیشه تأسف می‌خورند که چرا بیشتر به قرآن رجوع ننموده‌اند. به عنوان مثال از سه تن از ایشان مطالبی نقل می‌کنیم.

امام خمینی قدس سره

«هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان مُتَنَسِّک و عالمان متهتک (جاهلان زاهدنما و عالمان پرده در و بی‌تقوا) که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحَطِّ نظر (مورد توجه؛ منظور نظر) و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.»^۱

ملاصدرا قدس سره

بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم، ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبیر در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم السلام بروم. یقین کردم که کارم بی‌اساس بوده است، زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم، در خانه‌ی وحی را کوبیدم، درها باز شد و پرده‌ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ - سلام بر شما! گوارای تان باد این نعمت‌ها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.» (زمر/۷۳)^۱

فیض کاشانی قدس سره

«کتاب‌ها و رساله‌ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ یک از علوم دوائی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم، بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.»^۲

جای خالی قرآن

متأسفانه امروزه جای قرآن در زندگی ما آن‌گونه که باید پر نیست، و ما آداب و اخلاق و رفتار و منش و قانون و به‌طور کلی سبک زندگی خود را بر اساس قرآن تنظیم نکرده‌ایم. در حالی که پیامبر ما صلی‌الله‌وعلیه‌وآله و ائمه اطهار همه چیز خود را با قرآن تنظیم می‌فرمودند.

۱. مقدمه تفسیر سوره واقعه

۲. رساله الانصاف

وقتی از همسر پیامبر درباره اخلاق آن حضرت سؤال شد در پاسخ گفت:

« اخلاق رسول خدا اخلاقی به طور کامل قرآنی بود.»^۱

همچنین از همان همسر پیامبر نقل شده است که:

« خلق النبي ص ما تضمنه العشر الأول من سورة المؤمنين - اخلاق پیامبر عبارت

است از آن مطالبی که ده آیه اول سوره مؤمنون بیان کرده.»^۲

مؤمنان رستگار شدند(۱) قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند(۲) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند(۳) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند(۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

و آن‌ها که دامان خود را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند(۵) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزان‌شان دارند، که

در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند(۶) فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوز گردند(۷) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند(۸) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آن‌ها که بر نمازهای‌شان مواظبت می‌نمایند(۹) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

(آری،) آن‌ها وارثانند(۱۰) أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

۱. ترجمه کتاب «قرآن منشور زندگی» ص ۶۶۷ (نوشته: یوسف قرضاوی) در پی نوشت این حدیث

آمده است: این حدیث را مسلم در باب «صلاة المسافرين»، ح ۷۴۶ و نیز صاحبان سنن آورده‌اند.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۸ ص ۳۸۲